

در میزگرد با مسئولان مقاومت اسلامی جمهوری آذربایجان موسوم به گروه حسینیون بررسی شد

رسانه های صهیونیستی در آذربایجان درباره ایران نفرت پراکنی می کنند

گفت‌وگو

محمد مطلق

روزنامه نگار

شیخ توحید ابراهیم بیلی مؤسس مقاومت اسلامی جمهوری آذربایجان می گوید حاج قاسم معتقد بود روزی جنگ در سوریه تمام می شود اما کار محور مقاومت با اسرائیل به قفقاز جنوبی

شیخ توحید: چطور به این نتیجه رسیدید که جمهوری آذربایجان هم باید وارد محور مقاومت اسلامی شود و هسته اولیه چگونه شکل گرفت؟

هسته اصلی حسینیون با ورود آذربایجانی ها به موضوع سوریه شکل گرفت. البته دید ما در مورد سوریه، صرفاً بحث جلوگیری از تغییر یک رژیم نبود.

ما به سوریه به عنوان یک پل برای مقاومت نگاه می کردیم و این تحلیل را داشتیم که سوریه رابط مقاومت و یکی از مهره های ستون فقرات مقاومت است و اگر بشکند، کل زنجیر پاره می شود و امنیت مرزهای اسرائیل به بالاترین حد خود می رسد.

بنابراین سوریه را مرکز روابویی تمام جبهه باطل در مقابل تمام جبهه حق می دانستیم.

همچنین ما سوریه را فرصتی می دیدیم که آذربایجان هم به محور مقاومت بپیوندد و احساس می کردیم تا همین حالا هم خیلی دیر شده است.

به هرحال این خطرهایی را که امروز از ناحیه دولت آذربایجان با آن مواجه هستیم، همان زمان هم ما تحلیل می کردیم و به دوستانمان در ایران می گفتیم اما اینجا موضوع را جدی نمی گرفتند. شاید احساس می کردند یک کشور کوچکی است و پشتوانه تشیع دارد و در نهایت تحت کنترل ما است، ولی ما خطر را احساس می کردیم.

پس به عنوان مدافعان حرم آذربایجانی برای رسیدن به یک تشکیلات سازمانی کار سختی در پیش داشتیم، همین طور است؟

واقعاً همین طور است. ما سال ۲۰۱۳ با ۶ نفر کار را شروع کردیم و این طور نبود که حاج قاسم به راحتی بگویند در آذربایجان مدافعان حرم تشکیلات داشته باشند.

خیلی سخت و خیلی ساختار شکنانه بود. چون از پیش تعریف شده بود که چه کشورهایی در محور مقاومت باشند یا نه. از آن طرف تا همین سال یعنی ۲۰۱۳ هزار و ۵۰۰ نفر از آذربایجان به داعش و النصره پیوسته بودند و این برای ما مایه سرفراختگی بود.

وقتی هم برای اولین بار بحث حسینیون اعلام رسمی شد، بنده به مردم آذربایجان گفتم ما یک وجدان تاریخی داریم و روزی فرزندان شما سؤال می کنند که چرا از میان مردم ما به عنوان یک کشور شیعه نمایندگان در جبهه تکفیری و جبهه امریکا و اسرائیل حضور داشتند ولی در جبهه حق نه؟ اینها جمع شد و آذربایجان هم در محور مقاومت

خواهد کشید. برای همین ساختارها را دور زد و اساسنامه حسینیون را امضا کرد. آذربایجان جزو کشورهای محور مقاومت نبود و کار حاج قاسم به نوعی ساختار شکنی محسوب می شد. اما هر چه بیشتر پیش می رویم، دید بلند و آشکارتر می شود. شیخ اورخان محمداف تحصیل کرده حوزه علمیه و رشته اقتصاد دانشگاه سن پترزبورگ، رئیس مرکز مطالعات آذربایجان زیرشاخه حسینیون نیز در این میزگرد حضور دارد. او مترجم حاج قاسم در جلسات سری با ژنرال های روسیه بوده و تاریخ و ادبیات را هم خوب می شناسد. لحظه ای که برای گفت‌وگو

پشت میز می نشینید، تلفنش به صدا درمی آید؛ به او اطلاع می دهند که چند نفر از دوستانش را در باکو دستگیر کرده اند. خودش را جمع و جور می کند و وارد بحث می شود. در این میزگرد شیخ موسی اسدزاده مسئول آموزش نظامی حسینیون و اکرم حاجی زاده مدیر بخش رسانه ای محور مقاومت اسلامی آذربایجان نیز حضور دارند. گفت‌وگویی جذاب که چند ساعت طول می کشد و تازه بعد از پایان میزگرد است که متوجه می شویم ساعت از ۱۲ شب گذشته است. این میزگرد اواخر سال گذشته برگزار شده بود.

بزرگی در قفقاز روی خواهد داد. یک‌بار هم در حلب این را گفتند که سوریه تمام خواهد شد، ولی بزرگترین تنش‌ها و جنگ‌های ما با اسرائیل در قفقاز و آذربایجان است. دید بلند و عجیبی داشت که حتی اطرافیان حاج قاسم هم نداشتند.

این بحث خیلی مهم است اما اجازه دهید برگردیم به خود حسینیون و اینکه چطور فعالیت شما علنی شد؟

سال ۲۰۱۸ المار ولی اف استاندار کنجه توسط یونس صفراف ترور شد. این آدم به عنوان فرد شماره دو رژیم صهیونیستی که مستقیم از اسرائیل دستور می گرفت، به خاطر ظلمی که به مردم می کرد، فوق العاده مغرور بود. حتی به شهدای جنگ اول قره‌باغ هم توهین می کرد، بازاری‌ها و کسبه را به ستوه آورده بود.

اول محرم جشنواره شراب راه می انداخت و روز عاشورا حتی اگر مغان با یک تعطیلی دیگری بود، دستور می داد که مدرسه‌ها باز باشد و بچه‌ها سر کلاس حاضر شوند. جلوی مساجد پلیس می گذاشت که زیر شانزده ساله‌ها راه ندهند و از این دست کارهای دیوانه‌وار. با کفش وارد مسجد می شد و رو به هیأت عزاداری داد می زد آدم‌ها با حسین کشتی بگیرم، کجاست؟

خلاصه اینکه آنقدر ظلم کرد که یک فرد جلوی استانداری چند تیر به سمتش شلیک کرد و بلافاصله نیمه جان با هواپیما منتقلش کردند به اسرائیل و هنوز هم کسی نمی داند مرده یا نه؟ بعضی‌ها می گویند زنده است ولی هوشیاری ندارد و بعضی هم می گویند در تل آویو دفن شده.

به هرحال قضیه آنقدر مهم بود که علی اف با جلیقه ضد گلوله جلسه تشکیل داد و ۱۳ استاندار را عوض کرد. مردم کنجه قیام کردند و رسانه‌ها گفتند کار ایران است و حتی از ذهن آمد.

بیشتر افراد ما تحصیل کرده و قشر دانشگاهی هستند و تحصیلات حوزوی دارند. حاج اورخان محمداف در دانشگاه سن پترزبورگ اقتصاد خوانده و روحانی هم هستند، بعد از ورود روس‌ها به سوریه به عنوان مترجم در جلسات سری حضور داشتند.

نگاه حاج قاسم به قفقاز و جایگاه حسینیون در این زمینه چه بود؟

اعتقاد حاج قاسم بر این بود که حوادث

مجاری دیپلماتیک و از طریق نهادهای مربوطه هم فشار آوردند. آن زمان برای اولین بار تلوزیون باکو عکس بنده را نشان داد و مردم متوجه شدند تشکیلاتی به نام حسینیون هم وجود دارد. تا قبل از این ماجرا حتی خود بچه‌های مقاومت فکر می کردند ما ایرانی هستیم و مثلاً از تبریز یا ارومیه آمده‌ایم.

اگر از بچه‌های تبریز و ارومیه بودند و می دیدند فارسی ما خوب نیست، گیر می دادند که مثلاً کدام خیابان تبریز؟ ما هم الکی می گفتیم میدان امام.

خلاصه اینکه ما نمی دانستیم خودمان را چطور معرفی کنیم که عدو شد سبب خبر می شد. یونس قهرمان ملی شده بود و حتی غربی‌گراها هم با او همدلی می کردند و می گفتند کسی مثل ولی اف نمی بایست استاندار می شد.

یونس کاملاً شخصی عمل کرده بود اما کار او چهره بسیار مثبتی از حسینیون ارائه داد.

او در سوریه علیه داعش جنگیده بود و این در میان شیعیان باعث سرفرازی بود. یونس که الان در زندان است فکری می کرد با آن گلوله یک نفر از ده، اما واقعیت این است که با آن گلوله حرکتی را آغاز کرد که خودش هم فکر نمی کرد.

حضرت آقا می فرمایند نواب صفوی یک کاری کرد که آتش انقلاب در دل من جوانه زد، دقیقاً یونس هم این کار را در آذربایجان کرد و یک حس خودباوری به مردم آذربایجان داد. با اینکه بعد از آن، هفت نفر در کنجه توسط رژیم شهید شدند و یونس هم همچنان زندانی است.

بعد از آن بود که احساس کردید نیاز به رسانه و کار فرهنگی دارید؟

جای خالی رسانه در آذربایجان همیشه احساس می شد. بر همین اساس با دوستان ایرانی در ارگان‌های مختلف صحبت کردیم که سسی سال است روی مردم آذربایجان کار می کنند ولی هنوز یک رسانه تبیین‌گر وجود ندارد. مردم ما تحلیل حوادث منطقه، خصوصاً مباحث سیاسی و اجتماعی را از رسانه‌های صهیونیستی می گیرند، یا از رسانه‌های داخل آذربایجان یا نهایتاً روسیه و ترکیه و ما چاره اینها تحلیل درست نداریم؟

چرا سوریه به این روز افتاد؟ چون سوریه یک شبکه خبری نداشت و همه الجزیره را می دیدند. من خودم گاهی وقت‌ها به این موضوع فکر می کردم که دلایل اصلی جنگ در سوریه چه بود؟ یکی اینکه سوریه پلیس نداشت، یعنی اینکه یک شهروند به یکباره با نیروهای امنیتی استخبارات روبرو می شد. راهنمایی رانندگی داشت، ولی پلیس نداشت و از آن مهم‌تر اینکه شبکه خبر نداشت و مردم خبر و تحلیل را از بیرون دریافت می کردند.

حکیم‌اف را که بین مردم آذربایجان چهره محبوب و موجهی داشت کشتند و انداختند گردن ارمنی‌ها. به هرحال سسر این موضوع مردم ریختند توخا، خیابان‌ها و از الهام خواستند که جنگ بشود و انتقام بگیرد. ریختند جلوی ساختمان مجلس که تا کی این همه خفت! این یک کار برنامه‌ریزی شده بود و از آن طرف هم الهام آمد و گفت شما نه آموزش دیده‌اید و نه کار نظامی بلد هستید و باید بروید آموزش ببینید و من بسیج عمومی اعلام می کنم.

خب ما رصد می کردیم و می دیدیم که تکفیری‌ها چطور وارد قفقاز می شوند و از آن طرف اسرائیل چطور سوار موج شده و برخی دیگر چطور مدیریت ماجرا را به دست گرفته و بر طبل جنگ می کوبند. جهان مسیحیت هم در سکوت محض به سر می برد، مگر می شود تو به ارمنی‌ها حمله کنی و برای مسیحیان اهمیت نداشتی باشد؟

ما در اتاق فکر خودمان نشستیم و بحث و تحلیل کردیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که این جنگ برای آزادسازی قره‌باغ نیست. سخنرانی‌ها و بحث‌ها هم موجود است. همان زمان گفتیم این جنگ سه مرحله‌ای است؛ اول ناتو و تکفیری‌ها مستقر می شوند، بعد زنگ‌زور را می گیرند و مرز ایران و ارمنستان را قطع می کنند چه با جنگ چه بدون جنگ. اشتباه نکنید!

الهام و متحدانش یک بازی را پیش می برند. خیلی از مناطق ممکن بود با افعال از دست برود. الان می خواهند بدون جنگ این کار را بکنند. سومین مرحله هم تجزیه ایران است که ما این مرحله را هم پیش‌بینی کرده بودیم.

قبل از جنگ هم به نهادهای مختلف خبری برای نام‌نویسی می کنند. خیلی برای ما سؤال بود که چه اتفاقی قرار است بیفتد؟ حتی یک‌بار دیگر شنود و ضبط شده بود که در اختیار ما قرار دادند و کاملاً موضوع روشن شد که برای جنگ در قره‌باغ نیرو جمع می کنند.

ما موضوع را بررسی کردیم و اطلاع دادیم ولی خیلی جدی گرفته نشد. تا اینکه هشت ماه به مانده به جنگ اطلاعات دقیق‌تری جمع کردیم. به عنوان مثال مشخص بود که در مرز نخجوان و ترکیه و همین‌طور مرز گرجستان و آذربایجان در روستای صادقی‌لی چند هزار نفر تکفیری مستقر شده بودند؛ یک‌جا ۲ هزار و یک‌جا هم ۲ هزار و ۵۰۰ نفر.

هشت ماه قبل از جنگ ما هشدار دادیم که تحرکات عادی نیست و ممکن است قره‌باغ بهانه باشد. تا اینکه ژنرال مراد

مختلف صحبت کردیم در این باره که سسی سال است روی مردم آذربایجان کار می کنند ولی هنوز یک رسانه تبیین‌گر وجود ندارد. مردم ما تحلیل حوادث منطقه، خصوصاً مباحث سیاسی و اجتماعی را یا از رسانه‌های صهیونیستی می گیرند، یا از رسانه‌های خارجی داخل آذربایجان و... ما چرا به اینها تحلیل درست ندهیم؟ چرا سوریه به این روز افتاد؟ چون سوریه یک شبکه خبری نداشت و همه الجزیره را می دیدند.

من خودم گاهی وقت‌ها به این موضوع فکر می کردم که دلایل اصلی جنگ در سوریه چه بود؟ یکی اینکه سوریه پلیس نداشت، یعنی اینکه سسران به یکباره با نیروهای امنیتی استخبارات روبرو می شد. راهنمایی رانندگی داشت، ولی پلیس نداشت و از آن مهم‌تر اینکه شبکه خبر نداشت و مردم خبر و تحلیل را از بیرون دریافت می کردند.

ما گفتیم اگر قرار است مردم آذربایجان که سسی سال است دارند بمباران تبلیغاتی می شوند، در حوادث آینده قفقاز که یکی از حوادث حساس جهان خواهد بود و یکی از اتفاقات مهم جهان در این منطقه رخ خواهد داد، جهت درست و نادرست را تشخیص دهند، باید از قبل آنها را آماده کنیم.

این یعنی اینکه شما حوادث را از قبل تا اینجا و حتی مراحل بعد پیش‌بینی کرده بودید. نگاه شما به جنگ قره‌باغ چه بود؟

یک سال و نیم قبل از جنگ اخیر قره‌باغ، بچه‌های ما در سوریه شنود کرده بودند که از تکفیری‌ها دارند برای آذربایجان نام‌نویسی می کنند. خیلی برای ما سؤال بود که چه اتفاقی قرار است بیفتد؟

حتی یک‌بار دیگر شنود و ضبط شده بود که در اختیار ما قرار دادند و کاملاً موضوع روشن شد که برای جنگ در قره‌باغ نیرو جمع می کنند.

ما موضوع را بررسی کردیم و اطلاع دادیم ولی خیلی جدی گرفته نشد. تا اینکه هشت ماه به مانده به جنگ اطلاعات دقیق‌تری جمع کردیم. به عنوان مثال مشخص بود که در مرز نخجوان و ترکیه و همین‌طور مرز گرجستان و آذربایجان در روستای صادقی‌لی چند هزار نفر تکفیری مستقر شده بودند؛ یک‌جا ۲ هزار و یک‌جا هم ۲ هزار و ۵۰۰ نفر.

هشت ماه قبل از جنگ ما هشدار دادیم که تحرکات عادی نیست و ممکن است قره‌باغ بهانه باشد. تا اینکه ژنرال مراد

